

دو تحریر متفاوت از دیوان سلطان ولد

مینا رامین ثابت*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱ (صفحه: ۹۹-۱۱۶)

چکیده: سلطان بهاء‌الدین محمد ولد، فرزند ارشد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، دارای آثار متعدد و ارزشمندی در زمینه شعر عرفانی است، که بدون شک رده پای مولانا را می‌توان در تمام اشعار او مشاهده کرد؛ تا بدان حد که برخی از این غزلیات، از فرط شباهت به اشعار پدر، به اشتباه، در زمره غزلیات دیوان کبیر آمده و به نام مولانا ثبت شده است. دیوان سلطان ولد، که مشتمل بر حدود سیزده هزار بیت است، در نهایت سادگی و در عین حال، پختگی سروده شده است که با بررسی مهم‌ترین نسخ خطی این دیوان، با اختلافاتی رو به رو می‌شویم که نمی‌توانیم آن را به خطا و دستبرد کاتبان ربط دهیم؛ بلکه این اختلافات حاکی از دو تحریر مختلف از این دیوان شریف است. در مقاله حاضر تلاش کرده‌ایم تا، علاوه بر معرفی این دو تحریر و اختلافات آنها، با دلایل و شواهد مختلف ثابت کنیم که،

* دانشجوی دکتری زبان و ادب فارسی، دانشگاه تهران (m.raminsabet@gmail.com).

به احتمال قریب به یقین، هر دو تحریر متعلق به خالق این اثر، یعنی سلطان ولد است. همچنین به معرفی نسخه منحصراً به فردی از دیوان خواهیم پرداخت که نظام‌الدین، باجناق سلطان ولد، آن را کتابت کرده و شامل هر دو تحریر است و به احتمال قوی به وسیله شخص سلطان ولد بررسی و اصلاح شده است.

کلیدواژه‌ها: سلطان ولد، مولانا، نسخ خطی، شعر عرفانی، تحریر.

۱ مقدمه

سلطان بهاء‌الدین محمد ولد، فرزند ارشد مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، در روز جمعه ۲۵ ربیع‌الآخر سال ۶۲۳ ق در قصبه لارنده به دنیا آمد.^۱ سلطان ولد، از همان ابتدا، مورد توجه و محبت خاص پدر قرار گرفت و مولانا بارها بر زبان آورده بود که «أنت أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً» و بر دیوار مدرسه خود نوشته بود «بهاء‌الدین ما نیکبخت است؛ خوش زیست و خوش میرد» (افلاکی ۱۳۶۲: ۷۸۷/۲). سلطان ولد در مقدمه/بیتد/نامه خویش می‌گوید:

حضرت والدم مولانا — عظم الله ذکره — مرا از برادران و مریدان و عالمیان مخصوص گردانید به تاج «و أنت أشبه الناس بی خلقاً و خلقاً»؛ این ضعیف نیز بر وفق اشارت حضرتش به قدر وسع طاقت اجتهاد نمود (سلطان ولد ۱۳۱۶: ۳).

سلطان ولد نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری طریقت مولویه، پس از مرگ مولانا، و همچنین کتابت و نگهداری آثار پدر داشته و خود نیز آثار بسیاری، به تبعیت از آثار پدر، بر جای گذاشته است؛ با این حال، نام وی همواره زیر سایه نام بزرگ پدرش جلال‌الدین قرار گرفته و باعث شده که هیچ‌گاه به طور مستقل به شخصیت عرفانی و اشعار وی آنچنان که شایسته است پرداخته نشود. با اینکه آثار او، از جمله دیوان و مثنوی‌های سه‌گانه‌اش، همگی از جهات گوناگون درخور مطالعه‌اند، این کتب تا سالیان متمادی از

۱. تنها مأخذ آگاهی ما از این تاریخ یادداشتی است که نظام‌الدین خطاط بر ورق آخر نسخه دیوان او، که کتابت آن را در ۱۵ جمادی‌الاول ۶۹۴ ق به پایان برده، نوشته است. این نسخه، به شماره ۶۶۵۴، در کتابخانه درگاه مولانا در قونیه نگهداری می‌شود، که در تصحیح ما با اختصار «ن» مشخص شده است. تولد سلطان ولد در لارنده را افلاکی در مناقب العارفین تأیید می‌کند (افلاکی ۱۳۹۳: ۲۶).

حدود خانقاه او بیرون نیامده و در دسترس همگان قرار نگرفته بود و، جز عده معدودی، همه از آن به کلی بی‌خبر مانده بودند.

آثار وی شامل مثنوی‌های سه‌گانه *ولدنامه* (*ابتدنامه*)، *رباب‌نامه* و *انتها نامه*، و *دیوان* شامل غزلیات و رباعیات، و همچنین اثری به نثر موسوم به *معارف* است، که همگی این آثار به تقلید و تبعیت از پدر و جدش سروده و نام‌گذاری شده‌اند. همچنین این نکته شایان ذکر است که سلطان ولد *ابتدا دیوان* خود را فراهم ساخته، سپس مثنوی‌های سه‌گانه را تألیف کرده است؛ زیرا مولانا چنین کرده بود. او این موضوع را در مقدمه *ابتدنامه* خود بیان کرده است:

حضرتش دواوین در اوزان مختلفه و رباعیات انشا فرمود؛ به طریق متابعت، دیوانی گفته شد. آخر الامر دوستان التماس کردند که چون به متابعت مولانا قدسنا الله بسره العزیز دیوانی ساختی، در مثنوی نیز متابعت لازم است. بنا بر آن و جهت آنکه خود را ماندای حضرتش گردانم، از اول ماه ربیع‌الاول سنه تسعین و ستمائه در این مثنوی شروع رفت... (همان‌جا).

سلطان ولد، علاوه بر استعداد ذاتی، با بزرگ‌ترین اقطاب مولویه، از جمله شمس تبریزی، برهان‌الدین محقق ترمذی، صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی، رابطه نزدیک داشت و پنجاه سال نیز نفس به نفس پدر زیسته بود؛ بنابراین به‌خوبی با اندیشه‌های مولانا آشنا بود و می‌توانست در تبیین اندیشه‌های او دقیقاً پا جای پای پدر بگذارد. وی هیچ‌گاه نخواست به میل و کشش شخصی خود عمل کند، بلکه تنها افکار و اندیشه‌های مولانا را گرفت و نظیره‌های آنها را سرود؛ به تضمین آنها برخاست؛ تفصیل و تفسیر کرد و به صورتی ساده‌تر، آسان‌تر و قابل فهم‌تر درآورد.

بود روشن سخن‌هایی که گفتم سخن را مشکل و معلق نگفتم

هزاران دُر ز دریای معانی برآوردم برای خلق سفتم

(سلطان ولد ۱۹۴۱م / ۱۳۲۰ش: ۵۱۵)

دیوان سلطان ولد، که در مجموع مشتمل بر حدود سیزده هزار بیت است، در نهایت

سادگی و، در عین حال، پختگی سروده شده است. وی اساس اندیشه‌های خود را از دیوان کبیر پدر گرفته و به هنگام سرودن غزل‌ها و رباعیات نیز دیوان مولانا را الگو قرار داده و، در بسیاری از غزل‌هایش، از منبع الهام خود با قید عباراتی مانند «مولانا/ شاه/ شه فرمود» یا «بر وزن غزل شاه سرودم» قدردانی کرده است.

البته در دیوان سلطان ولد شمار غزل‌هایی که از نظر موسیقی و معنا سست و ناتندرست‌اند کم نیست؛ اما در این دیوان غزل‌های پخته و قدرتمندی نیز وجود دارند که تا حد زیادی به ساحت اشعار مولانا نزدیک شده، و همین باعث شده که تعداد زیادی از این غزل‌ها، به اشتباه، در زمره غزلیات دیوان کبیر و به نام مولانا ثبت شوند؛ که اگر نبود پختگی و روانی این اشعار و ترسیم همان جهان شعری که مولانا تصویر می‌کرده است، هیچ‌گاه این اشعار نمی‌توانست هم‌سنگ و هم‌نشین اشعار متعالی مولانا قرار گیرد و حتی بزرگان عرفان و مولوی‌شناسی را به اشتباه بیندازد^۱.

با وجود اینکه اکنون همه آثار سلطان ولد نشر یافته، متأسفانه هنوز چاپ انتقادی و تحقیق خوبی از آثار او در دست نیست. دیوان سلطان ولد نخستین بار در سال ۱۳۵۸ق/ ۱۹۴۱م به اهتمام فریدون نافذ اوزلوق، از دانشمندان ترکیه، در استانبول به چاپ رسید؛ اما متأسفانه، به دلیل ناآشنایی کامل مصحح با زبان فارسی، نمی‌توان عنوان تصحیح بر آن گذاشت. در حقیقت، قصد مصحح فقط نشر این متن ارزشمند بوده است^۲. پس از آن، در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی، همین چاپ عیناً به کوشش اصغر ربانی «حامد» و با مقدمه‌ای از سعید نفیسی، به همت انتشارات رودکی، در تهران انتشار یافت، که جز تفاوت در ترتیب اشعار، هیچ نکته تازه‌ای نداشت.

۱. این غزلیات در هیچ‌کدام از نسخه‌های اصیل و معتبر دیوان شمس یعنی نسخه‌های قونیه، قره‌حصار و اسعد افندی نیامده، اما در معتبرترین نسخه‌های دیوان سلطان ولد و با تخلص وی ثبت شده است. محمدرضا شفیعی کدکنی سال‌ها قبل به این موضوع اشاره کرده، اما تاکنون هیچ محقق با مستندات علمی در پی اثبات یا رد آن برنیامده است.

۲. نافذ اوزلوق، در این چاپ، از یک متن تصحیح‌شده توسط رفعت بیلگه استفاده کرده، که در مقدمه خود هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است. (برای توضیحات بیشتر ← «نقد چاپ‌های دیوان سلطان ولد»).

۲ نسخه‌های خطی دیوان سلطان ولد

با جستجو در کتابخانه‌های جهان، نسخ خطی دیوان سلطان ولد فقط در کتابخانه‌های ایران و ترکیه یافت شد. تعداد انگشت‌شماری از نسخ که خارج از این حوزه‌ها بودند به چند رونویسی متأخر از همین نسخه‌ها محدود می‌شدند. با بررسی این نسخ، اختلاف‌هایی دیده می‌شود که نمی‌توان آن را به خطا و دستبرد کاتبان نسبت داد، بلکه حاکی از دو تحریر^۱ مختلف از دیوان است. در ادامه، پس از معرفی اجمالی نسخ خطی موجود از دیوان سلطان ولد، به چگونگی پی بردن به وجود دو تحریر مختلف از این دیوان پرداخته خواهد شد.

مهم‌ترین این نسخه‌ها عبارتند از:

- ۱) ن: نسخه کتابخانه درگاه مولانا؛ به تاریخ ۶۹۴ ق.
 - ۲) گ: نسخه کتابخانه ملی ایران؛ به تاریخ ۶۹۸ ق.
 - ۳) ح ۱: نسخه کتابخانه سلیمانیه، مجموعه حالت افندی؛ بدون تاریخ (احتمالاً در زمان حیات مؤلف).
 - ۴) ص: نسخه کتابخانه موزه مولانا؛ بدون تاریخ (احتمالاً در زمان حیات مؤلف).
 - ۵) ب: نسخه کتابخانه موزه مولانا؛ به تاریخ ۷۱۲ ق.
 - ۶) حم: نسخه کتابخانه سلیمانیه، مجموعه حالت افندی؛ به تاریخ ۷۱۷ ق.
 - ۷) ح ۲: نسخه کتابخانه سلیمانیه، مجموعه حالت افندی؛ به تاریخ ۷۲۲ ق.
 - ۸) ج ۱: نسخه کتابخانه دانشگاه تهران؛ به تاریخ قرن ۹ ق.
- با توجه به بررسی‌های به عمل آمده و انجام فرایند نسخه‌شناسی، نسخ خطی «گ»، «ح ۱»، «ص» و «ت» در یک گروه جای می‌گیرند و نسخ خطی «ن»، «ب»، «ح ۲» و «ج ۱» گروه دوم را تشکیل می‌دهند. این گروه‌بندی بین نسخه‌ها براساس شباهت‌های فراوان در کلیات و جزئیات نسخه‌های مربوط به هر گروه است، که با وجود اختلافات اندک نگارشی، باز هم به آسانی می‌توان آنها را در یک گروه جای داد.

۱. در اصطلاح نسخه‌شناسی، برای اثری که با ضبط‌های متفاوت در لفظ و گاهی در معنی و همچنین پیراستن و آراستن برخی از مطالب دوباره فراهم آمده باشد از لفظ «تحریر» استفاده می‌شود (مایل هروی ۱۳۹۳: ۴۰۸).

نسخه‌های «ص» و «حم» از یک خانواده‌اند. حتی غلط‌ها و افتادگی‌ها و دستبردهای خودسرانه در متن غزل‌ها نیز در این دو نسخه کاملاً مشابهت دارند و می‌توان گفت یکی از آنها از روی دیگری کتابت شده است یا، به احتمال زیاد، هر دو از روی یک نسخه نوشته شده‌اند. نسخه‌های «ح ۱» و «گ» نیز مشابه یکدیگرند.

در گروه دوم، نسخه «ن» نسخه مادر است که اساس کتابت نسخ گروه دوم قرار گرفته و به نوعی مرز بین تحریر اول و دوم محسوب می‌شود. این نسخه منحصر به فرد پر از خط‌خوردگی‌ها و اصلاحاتی است که، به احتمال قوی، به دست خود مؤلف، یعنی سلطان ولد، انجام گرفته و زمینه به وجود آمدن تحریر دوم را فراهم کرده است. همه اشکالات ما در مورد کیفیت این دو تحریر با دستیابی به این نسخه برطرف شد که، در ادامه، به تفصیل به شرح آن خواهیم پرداخت. نسخه‌های «ب» و «ح ۲» نیز هر دو از نسخه «ن» پیروی می‌کنند و، جز موارد انگشت‌شماری از اختلاف‌های لغوی، کاملاً بر متن اصلاح شده در نسخه «ن» منطبق‌اند.

در مجموع این نسخه‌ها، یازده غزل نویافته و بالغ بر صد بیت جدید از سلطان ولد وجود دارد که در دیوان‌های چاپی نیامده و تاکنون کسی از وجود این اشعار مطلع نبوده است. تفصیل این مطلب و فهرستی کامل از این غزل‌ها در مقاله‌ای دیگر به قلم نگارنده آمده است.

۳ دو تحریر مختلف از دیوان سلطان ولد

همان‌طور که بیان شد، هنگام بررسی نسخ خطی این دیوان، با دو تحریر روبه‌رو شدیم و همین امر موجب شد که نسخه‌ها در دو گروه دسته‌بندی شوند. اگر بخواهیم نسخه‌های دو گروه را با یکدیگر مقایسه کنیم، باید بگوییم که وجوه اختلافی که این دو گروه با یکدیگر دارند آنها را کاملاً از هم متمایز می‌کند. این دو گروه، صرف نظر از غزل‌هایی که در یکی هست و در دیگری نیست، در نگارش نیز با هم تفاوت‌های اساسی دارند، تا جایی که به هیچ روی نمی‌توان آنها را بر هم منطبق کرد.

با توجه به مستندات ما از متن حاضر، به احتمال قریب به یقین، هر دو تحریر به دست مؤلف، یعنی شخص سلطان ولد انجام پذیرفته است. حال به شرح نسخه‌ای می‌پردازیم که تمام سؤالات ما در مورد این دو تحریر از دیوان سلطان ولد با استفاده از آن پاسخ داده می‌شود. این نسخه، با اختصار «ن»، کهن‌ترین نسخه دیوان از نظر تاریخی است، که در ۱۵ جمادی‌الاول سال ۶۹۴ ق به خط نظام‌الدین کاتب، باجناق سلطان ولد، کتابت شده است. فریدون نافذ اوزلوق در شرح این نسخه در مقدمه دیوان به زبان ترکی می‌نویسد^۱:

نسخه‌ای است که به خط نظام‌الدین خطاط، باجناق سلطان ولد، کتابت شده و در حال حاضر قدیم‌ترین نسخه دیوان سلطان ولد در جهان است. جلد آن اصلی است و به خط تعلیق شکسته و رایج در عصر سلجوقی است. ۷۱۴ صفحه دارد، در هر صفحه ۱۹ سطر نوشته شده، قطع آن ۱۷×۲۳/۵ سانتی‌متر است. در میان غزل‌ها عبارت «مدّ الله ظلّه و برکته» با مرکب قرمز کتابت شده. گاهی بیت‌ها را کاملاً پاک کرده و به جای آن بیت دیگر نوشته‌اند. کلمه‌ای را در متن نپسندیده‌اند، به جای آن کلمه‌ای دیگر قرار داده‌اند. ابیات و حتی اشعاری به خط دو نفر دیگر هم دیده می‌شود که همه خط دوره سلجوقی است. دو عبارت از آن نوشته‌ها دارای اهمیت است: «پنج رباعی از حرف شین زیر حرف ط و ظ نوشته شده است. در حالت نبشتن احتیاط کنند». احتمالاً این نوشته شخصاً خط سلطان ولد است. این عبارت در صفحه ۶۸۳ آمده است. همین نسخه بعدها اساس کتابت نسخه‌های دیگر شده است. دیوان به خط شخص سلطان ولد در دست نیست. ۵ سال پیش از آنکه عثمان غازی اعلام استقلال کند، این نسخه کتابت شده است. مدتی در قونیه در تملک عبدالقادر چلبی که سرطریق بود قرار داشت، سپس به ولد چلبی افندی رسید و ایشان به این حقیر مرحمت فرمودند. بنده هم به موزه مولانا خواهم فرستاد (← نافذ اوزلوق ۱۳۹۳: ۸۸-۸۹).

شرح این نسخه تنها در همین جا آمده و در هیچ فهرست دیگری (جز در مواردی که به همین مقدمه ارجاع داده شده بود) نامی از این نسخه نیست؛ در نتیجه، چنین نسخه مهم و منحصر به فردی تاکنون ناشناس باقی مانده بود. جالب اینجاست که حتی در همین مقدمه نیز نامی از شماره نسخه برده نشده و، به این ترتیب، ما هیچ راهی برای

۱. دکتر توفیق سبحانی، با حذف قسمت‌هایی از این مقدمه، آن را به فارسی ترجمه کرده که در ضمیمه شماره ۸ نامه انجمن در پاییز ۱۳۹۳، با عنوان زندگانی و آثار سلطان ولد به چاپ رسیده است.

پیدا کردن این نسخه نداشتیم. حتی در فهرست نسخ خطی موزه مولانا نیز اثری از این نسخه دیده نمی‌شد. چاره را در آن دیدیم که همه نسخه خطی موجود از دیوان در کتابخانه‌های ترکیه را تهیه کنیم تا شاید بتوانیم به نسخه مورد نظر دسترسی پیدا کنیم. پس از تهیه همه نسخه‌های موجود از دیوان در کتابخانه‌های ترکیه، این نسخه در بخشی از کتابخانه درگاه مولانا که به موقوفات نافذ اوزلوق مربوط است، یافت شد. چنان که در مقدمه دیوان چاپ نافذ اوزلوق آمده، این نسخه دارای خط‌خوردگی‌ها و تصحیحات فراوان است. بعضی از غزلیات به طور کامل خط خورده، بعضی با کم‌وزیاد شدن ابیات و تغییر برخی کلمات تصحیح شده و در بعضی از آنها قافیه و ردیف شعر به طور کامل تغییر یافته است، که در ذیل از تک‌تک این موارد نمونه‌هایی خواهیم آورد. از آنجا که این متن به هر حال اصلاح شده و دو تحریر مختلف از آن به وجود آمده، جا دارد که از این پس، از دو اصطلاح «تحریر اولیه» و «تحریر نهایی» در مورد متن قبل از اصلاح و متن اصلاح‌شده استفاده کنیم.

۴ تفاوت‌های دو تحریر

با توجه به خطاب‌هایی که در غزلیات موجود است، به نظر می‌رسد که سلطان ولد نیز اکثر اشعارش را، همانند پدر، در حالت سماع سروده و در نتیجه هر آن چیزی که از دل او جوشیده بر کاغذ نقش بسته است؛ اما بعدها، با بازخوانی و تأمل بیشتر در اشعار، به کاستی‌های آن آگاه شده و عزم کرده تا اثری شایسته‌تر از خود بر جای بگذارد. بنابراین، برای بهبود اشعار دست به اصلاحاتی زده که حاصل آن تحریر دوم دیوان است. این اصلاحات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد، که در زیر به آنها می‌پردازیم.

۱-۴ تغییر واژه‌ها در اشعار

۱-۱-۴ تغییر برخی واژه‌های ابیات

این تغییرات اغلب به منظور بهبود وزن و افزودن زیبایی‌های شعری انجام شده است.

همچنین تکرارهای زائد حذف و به قدرت واژگان در ایجاد تناسبها و تقابل‌های زیباتر توجه بیشتری شده و، به طور کلی، می‌توان گفت شاعر، در تحریر نهایی اثر خود، در انتخاب تعابیر و اصطلاحات و سواص بیشتری به خرج داده است.

(۱)

تحریر اولیه:

هستم من مغز جهان زانم از جمله نهان درگذر از قشر مهان مست شو از جام صفا

تحریر نهایی:

هستم من مغز جهان زانم ازین جمله نهان درگذر از قشر مهان مغز شو و نغز و کیا
تبدیل «از» به «ازین» موجب رفع سکتته در وزن شعر شده است؛ همچنین آوردن کلمهٔ
«مغز» در تقابل با «قشر» زیبایی بیشتری به شعر داده، و نیز هماهنگی آوایی «مغز» و «نغز»
به زیبایی‌های ادبی بیت افزوده است.

(۲)

تحریر اولیه:

نیک و بد در جهان آب و گل است نیک و بد در جهان بی‌حد نیست

تحریر نهایی:

نیک و بد در جهان محدود است این دو ضد در جهان بی‌حد نیست
دو هجای کوتاه به جای یک هجای بلند در «آب و گل است» هماهنگی قسمت آخر وزن
مصراع‌ها را کم کرده بود، که شاعر با آوردن «محدود است»، به جای آن، این اشکال را رفع
کرده است. همچنین قرار گرفتن «جهان محدود» در مقابل «جهان بی‌حد» تقابل زیباتری را
ایجاد کرده؛ و آوردن «این دو ضد» به جای تکرار دوبارهٔ «نیک و بد» نیز، علاوه بر روانی
بیشتر شعر، وجود اضداد در این دنیا را به ذهن متبادر می‌کند.

۴-۱-۲ تغییر در ردیف برخی غزل‌ها

موسیقی اشعار سلطان ولد، تا حدّ زیادی، همان موسیقی و وزن اشعار مولانا در غزلیات شمس است. محمدرضا شفیعی کدکنی، چنان که در کتاب موسیقی شعر بیان کرده، دربارهٔ توجه خاص مولانا به ردیف‌های طولانی در دیوان کبیر و نقش این ردیف‌ها بر این باور است که غالباً این ردیف‌ها هیچ نقشی به لحاظ معنی ندارند و فقط از ترجیع و تکرار آنها نوعی لذت صوتی و سمعی حاصل می‌شود و جنبهٔ غنایی شعر را سرشارتر می‌کند (شفیعی کدکنی ۱۳۹۳: ۴۰۹، ۴۱۱).

با توجه به اقتدای پسر به غزلیات پدر و اینکه این اشعار نیز احتمالاً در مجالس سماع سروده و خوانده می‌شدند و نیاز به تکرار و همراهی حضار در ردیف‌های شعری وجود داشته است، شاعر توجه و تأکید خاصی روی این ردیف‌های طولانی داشته و به هنگام اصلاح اشعار، با آگاهی از تأثیر این تکرارها در خوانش‌های دسته‌جمعی، به تغییر این ردیف‌ها پرداخته است. البته شایان ذکر است که در برخی موارد، به علّت توجه و تمرکز بیش از حدّ شاعر روی این ردیف‌ها، حال و هوای اشعار پدر به وضوح از دست رفته است.

(۱)

تحریر اولیه:

ای کرده تو مهمانم در پیش درآ جانم زان روی که حیرانم من خانه نمی‌دانم
ای گشته تو را جويا پیر و بچه و برنا پنهان ز ره بی جا من خانه نمی‌دانم

تحریر نهایی:

ای کرده تو مهمانم در پیش درآ جانم زان روی که حیرانم من جز تو نمی‌دانم
ای گشته تو را جويا پیر و بچه و برنا پنهان ز ره بی جا من جز تو نمی‌دانم

(۲)

تحریر اولیه:

ای خر گیاه را چون گاو میخا در کوه و صحرا هس دار سر را

چون خار و چون چوب از تورسد کوب خاشاک دل روب هیش دار سر را

تحریر نهایی:

ای خر گیاه را چون گاو میخا در کوه و صحرا با ما مکش پا
چون خار و چون چوب از تورسد کوب خاشاک دل روب با ما مکش پا

(۳)

تحریر اولیه:

آن کور بی نور و آن دیو مشهور خودبین مغرور زین جای شد دور
آن زشت احمق آن کان بقبق در صدق ابلق زین جای شد دور

تحریر نهایی:

آن کور بی نور و آن دیو مشهور خودبین مغرور شد از برم دور
آن زشت احمق آن کان بقبق در صدق ابلق شد از برم دور

۳-۱-۴ تغییر در قافیۀ برخی غزلها

در بعضی غزلها، هنگام تعویض و اصلاح کلمات شعر، قافیه خط خورده و کلماتی متفاوت در جایگاه قافیه نوشته شده است. ممکن است این اصلاح فقط با یکی از قافیهها شروع شده باشد و شاعر، برای بهبود قافیۀ همان یک بیت، کل غزل را با قوافی جدیدی عرضه کند. این مطلب نشان می دهد سلطان ولد از اهمیت قافیه و کلماتی که در این جایگاه قرار می گیرند بی خبر نیست و برای پختگی و روانی شعر خود حتی حاضر است این سختی را به جان بخرد و کل قوافی غزل را از نو بسراید.

(۱)

تحریر اولیه:

جمع رنودیم همه در ده امروز شراب کاسه بخور کوزه بکش تا همه گردیم خراب

سیمبرا خمر چو زر در ده هر شام و سحر بهر مرا هر نفسی میزن مطرب تو رباب

تحریر نهایی:

جمع رنودیم همه در ده امروز صلا کاسه بخور کوزه بکش تا همه گردیم فنا
سیمبرا خمر چو زر درده هر شام و سحر بهر من خسته جگر مطرب بنواز نوا

(۲)

تحریر اولیه:

توبه نو کرد دلم از بد و نیکی که مراست نعره جانی ز درون بی لب و کامی برخاست
رسته ز کبریم و ز کین جسته ز کفریم و ز دین هستی ما نیستی است رفتن ما بی سر و پاست

تحریر نهایی:

توبه نو کرد دلم از بد و از نیک شها نعره جانی ز درون بی دهنی شد پیدا
رسته ز کبریم و ز کین جسته ز کفریم و ز دین برتر از اینیم و ازین نیست شده هستی ما

(۳)

تحریر اولیه:

از سوی روزن شه ما آمد خود را بنمود گفت بیا گفت بیا سوی من ای بنده تو زود
وصل مرا ترک مکن در چه هجران بمرو چون که ز بالا بده ای میل مکن سوی فرود

تحریر نهایی:

از سوی روزن شه ما آمد و بنمود رخان گفت بیا گفت بیا سوی من ای بنده روان
ترک مکن وصل مرا از چه هجران به در آ چون که ز بالا بده ای خیز در این پست ممان

۲-۴ اصلاح کامل یک غزل

در برخی از غزل‌ها شاعر، پس از آغاز کار اصلاح در چند بیت، به این نتیجه رسیده که

تغییرات لازم بیش از چند خط خوردگی ساده است و باید کلّ غزل را بازنویسی کرد؛ بنابراین، روی غزل را کلاً خط کشیده و در حاشیه، غزل اصلاح شده را نوشته است؛ از جمله می توان به نمونه زیر اشاره کرد:

تحریر اولیه (خط خورده):

مست شود بی خمری هر که لبانت بمزد هیچ ورا عیب مکن خدّ تو را گر بگزد
عشق تو آتشکده است تابش در سینه زده ست گرچه دلم خام بود از لهبش زود پزد

تحریر نهایی (نوشته شده در حاشیه):

مست شود بی می و جام آنکه لبانت بمزد هیچ مکن عیب ورا گر دو رخت را بگزد
بر سر چرخ دل و جان عیش عجب دارد آن کو چو مه از نور خورت بی دهنی شیر مزد

۳-۴ حذف کامل برخی غزلها

غزلهایی که روی آنها خط کشیده شده و جایگزینی ندارند و همچنین غزلهای مدحی که در این دسته قرار می گیرند، محل بحث اند. نسخه هایی که همگی از روی صورت اصلاح شده نسخه «ن» کتابت شده اند (نسخه های ب و ح ۲) در این مورد با یکدیگر اختلاف دارند؛ به این صورت که برخی کاتبان غزلهای خط خورده را در نسخه خود نیآورده اند، برخی همه غزلهای خط خورده را آورده اند، و برخی رفتار دوگانه ای در قبال این خط خوردگیها داشته اند و تعدادی را حذف و تعداد دیگری را در نسخه خود آورده اند. به نظر می رسد همه این خط خوردگیها به دست مؤلف انجام نشده باشد یا حداقل کاتبان بعدی، با دیدن این خط خوردگیها، به این نتیجه رسیده و به همین دلیل برای نوشتن این غزلها دچار تردید شده باشند. مطلع برخی از این غزلهای حذف شده به شرح زیر است:

(۱)

هر چه کند با تو خدا هیچ مگو چون و چرا زهر ورا قهر ورا می خور همچون حلوا

(۲)

امشب من با بُتِ خود باده خورم تا به سحر با صنم آمیزم خوش همچو که در شیر شکر

(۳)

بردی دل و جان و دین ای قاضی کاب ما زین پس نشوی غایب در یقظه و خواب ما

همچنین غزل‌هایی که مطلع آنها در زیر آمده در مدح یا رثای کسی بوده‌اند و خط خورده‌اند:

(۱) در رثای علم‌الدین قیصر

فغان فغان که برفت آنچنان کریم امیر فغان فغان که شد آن مایه غنی و فقیر

(۲) در مدح مجدالدین علی بن محمد

منم منم که تو را خاص بنده فرمانم بقای عمر تو را از خدای خواهانم

(۳) در مدح سلطان غیاث‌الدین مسعود

جهان به فرّ شهنشاه نو گرفت نظام زهی طراوت ملک و سعادت اسلام

(۴) در مدح شهر آقسرا

ای مردم آقسرا بدانید هر یک ز شما دو صد جهانید

۵ اصالت نسخه «ن»

به ادعای ولد چلبی (یکی از مالکان نسخه)، تمام اصلاحات این نسخه، اعم از تغییرات و خط‌خوردگی‌ها، به دست خود مؤلف، یعنی سلطان ولد، انجام گرفته و همین تصحیحات سبب به وجود آمدن دو تحریر مختلف شده است. ولد چلبی این مطلب را در صفحه آغازین نسخه، با جوهری آبی‌رنگ، ثبت کرده است:

در این دیوان شریف همه سرلوحه غزلیات «و له مد الله ظله و برکته» نوشته شده است؛

دلالت می‌کند که این دیوان شریف در عهد شریف حضرت سلطان ولد نوشته شده است.

نمود می‌آید که این دیوان مسود شده است و به قلم حضرت سلطان ولد تصحیح شده و

بعضی را بر سر خط ابطال کشیده است - ولد چلبی.

حاشیه‌های نوشته شده بر نسخه حاضر شامل چند دستخط مختلف است که احتمالاً فقط یکی از آنها به شاعر تعلق دارد. همه این نوشته‌ها (البته به جز حواشی ولد چلبی) به خط دوره سلجوقی‌اند، که نشان می‌دهد همه آنها در زمان کتابت نسخه و یا در همان حدود زمانی نوشته شده‌اند؛ و به این ترتیب، همگی دارای اهمیت‌اند، اما از لحن یکی از این نوشته‌ها می‌توان حدس زد که متعلق به خود شاعر است. با اینکه ما نسخه‌ای از دفتر ششم مثنوی مولانا را به عنوان نمونه‌ای از دستخط سلطان ولد در دسترس داریم، اما حتی با مقایسه این دو دستخط نیز نمی‌توان راجع به نویسنده این حواشی حکم قطعی صادر کرد؛ چرا که یکی از این نمونه‌ها (یعنی دفتر ششم مثنوی) متن اصلی است و دیگری در حاشیه نوشته شده و امکان دارد که همان یک نفر در حاشیه‌نویسی و متن‌نویسی از دو خط متفاوت استفاده کرده و حاشیه را به صورت قلم‌انداز نوشته باشد. حتی ولد چلبی نیز، در قسمت رباعیات، ادعای خود در صفحه آغازین نسخه را تعدیل می‌کند و در کنار عبارت «پنج رباعی از حرف شین زیر حرف ط و ظ نوشته شده است. در حالت نبشتن احتیاط کنند»، نظر خود را راجع به دستخط موجود در حاشیه این‌گونه اظهار کرده است:

این خط شریف به علاوه‌های حواشی می‌ماند. ممکن است که این نسخه به نسخه‌های سائره مسود شده باشد. این سطر شریف خط مبارک جناب سلطان ولد بودن امید است. الله أعلم.

حال، فارغ از مقایسه دستخطها، به شرح دلایلی می‌پردازیم که از نظر ما تأییدکننده این مطلب است که تحریر نهایی نیز کار خود مؤلف، یعنی سلطان ولد است:

(۱) با توجه به نام کاتب (نظام‌الدین خطاط، باجناق سلطان ولد) و همچنین سه مالک نسخه (حاج عمر افندی، عبدالقادر چلبی و ولد چلبی افندی) که از آنها نام برده شده، این نسخه از ابتدا در خاندان مولانا کتابت و نگهداری شده است و ایشان از آثار

بزرگان خود، همچون متنی مقدس، بدون تغییر و دستبرد محافظت می‌کرده‌اند. مشکول بودن نسخه نیز یکی دیگر از نکاتی است که به اصالت آن می‌افزاید؛ چرا که خاندان مولانا، برای حفظ حرمت شاعر، می‌کوشیدند اشعار را دقیقاً به همان صورت که بزرگ و مولایشان تلفظ می‌کرده بخوانند و آن را حرکت‌گذاری می‌کردند تا بعدها موجب غلط‌خوانی و بی‌احترامی به شخص شاعر نشود. به این ترتیب، هر نوع دخل و تصرف در این متن جز به دست خود شاعر بسیار دور از ذهن است.

۲) این نسخه قدیمی‌ترین نسخه موجود از دیوان است و در زمان حیات خود مؤلف نوشته شده است. شایان ذکر است که نسخه کتابت‌شده به دست نظام‌الدین، حتی قبل از تصحیح و تغییرات و خط‌خوردگی‌ها، با تحریر اولیه متفاوت است. به عبارت دیگر، دیوان سلطان ولد، چندین بار به دست مؤلف تصحیح شده و تغییر یافته است؛ هم قبل از نوشته شدن به دست نظام‌الدین و هم در حواشی دیوان حاضر.

۳) سایر نسخ خطی که، به استناد تاریخ کتابتشان، بعد از این نسخه کتابت شده‌اند تابع متن تصحیح‌شده‌اند و تقریباً تمام تصحیحات و تغییرات موجود در نسخه «ن» در آنها رعایت شده است؛ از آن جمله می‌توان به نسخه شماره ۴۶۹۶ کتابخانه موزه مولانا، که کتابت آن در زمان حیات مؤلف آغاز شده و چهار ماه پس از مرگ او به اتمام رسیده، و همچنین نسخه شماره ۱۳۹ کتابخانه حالت افندی، که پس از مرگ سلطان ولد نوشته شده، اشاره کرد. پس نتیجه می‌گیریم که نسخه «ن» اساس کار کاتبان پس از خود قرار گرفته و سایر نسخ از روی همین نسخه کتابت شده‌اند. این مطلب تأییدکننده ارزش نسخه است و اینکه هر تغییری در آن رخ داده به دست مؤلف صورت گرفته و از اصالت آن کاسته نشده است.

۶ نتیجه

با توجه به دلایل مطرح‌شده و شاهد مثال‌ها از نسخه نظام‌الدین، می‌توان گفت که به احتمال قریب به یقین هر دو تحریر از آن سلطان ولد است و این نسخه به‌نوعی مسوده

شاعر است که، پس از اتمام کتابت آن در تاریخ ۶۹۴ق، اساس کتابت سایر نسخه‌ها شده است. از آنجا که بیشتر تغییرات انجام‌شده در نسخه برای اصلاح اشعار از نظر وزن، معنا و زیبایی‌های شعری اتفاق افتاده است، دور از ذهن نمی‌نماید که این کار به دست خود سلطان ولد و در یک دوره فراغت ذهنی به منظور بهبود کیفیت دیوان و یکدستی بیشتر آن انجام شده باشد؛ به‌ویژه اینکه خواندن چندباره و اصلاح آثار امری معمول و مرسوم در بین شاعران بزرگ و از جمله پدر وی، جلال‌الدین بوده است. با این حال، باید به این نکته توجه داشت که، به رغم این احتمال قریب به یقین و تمام شواهد موجود، صحبت کردن از این مسئله با اطمینان صددرصد کاملاً غیرعلمی است و قطعاً مورد قبول اهل فن نخواهد بود.

منابع

- افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۳۶۲)، *مناقب‌العارفین*، ۲ جلد، به کوشش تحسین یازجی، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.
- سلطان ولد، بهاء‌الدین (۱۳۱۶)، *ولدت‌نامه (مثنوی ولدی)*، به تصحیح جلال همایی، تهران: چاپخانه اقبال.
- _____ (۱۳۳۸)، *دیوان سلطان ولد*، به تصحیح اصغر ربانی «حامد»، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: کتاب‌فروشی رودکی.
- _____ (۱۳۲۰م / ۱۹۴۱م)، *دیوان سلطان ولد*، به اهتمام فریدون نافذ اوزلوق، استانبول: چاپخانه اوزلوق.
- _____، *دیوان سلطان ولد*، نسخه خطی به شماره ۶۶۵۴ کتابخانه درگاه مولانا.
- _____، *دیوان سلطان ولد*، نسخه خطی به شماره ۴۶۹۶، کتابخانه موزه مولانا.
- _____، *دیوان سلطان ولد*، نسخه خطی به شماره ۲۱۳۶، کتابخانه موزه مولانا.
- _____، *دیوان سلطان ولد*، نسخه خطی به شماره ۳۲۸، کتابخانه حالت افندی.
- _____، *دیوان سلطان ولد*، نسخه خطی به شماره ۱۳۹، کتابخانه حالت افندی.

_____ ، دیوان سلطان ولد، نسخه خطی به شماره ۳۰۶۰، کتابخانه ملی.
 _____ ، دیوان سلطان ولد، میکروفیلم به شماره ۵۵۸، کتابخانه مرکزی
 دانشگاه تهران.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۳)، موسیقی شعر، چاپ پانزدهم، تهران: نشر آگه.
 مایل هروی، نجیب (۱۳۹۳)، تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران:
 سوره مهر (وابسته به حوزه هنری).
 نافذ اوزلوق، فریدون (۱۳۹۳)، زندگانی و آثار سلطان ولد، ترجمه توفیق هـ سبحانی، ضمیمه
 شماره ۸ نامه انجمن، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

